



## Iran Data Portal

Speaker or Agency: Mehdi Karroubi

Title: Karoubi Proposed His Solutions for Current Crisis in an Open Letter

Language: English, Persian

Western Date: 11 January 2010

Persian Date: 21 Dey 1388

Source: <http://sahamnews.org/?p=226>

---

Mehdi Karoubi Proposed His Solutions for the Current Crisis in an Open Letter to the People

Mehdi Karoubi in a letter addressed to the people of Iran while condemning the actions and brutality of plain clothes Basij thugs and security and police forces especially on Bloody Ashura, stated his five step resolution for the current crisis.

Karoubi emphasised that the solution to the current crisis is in employing all principles of the constitution and the main condition for that is the independence of the judiciary system and avoiding interfering politics in judiciary affairs.

He added that some think that by shutting down the reformist newspapers and arresting reformist political figures they can diminish reform and the fight against lies and deception would be over but they are wrong.

He stressed that the threats and bullying not only won't make him weak to continue the path he has chosen, but will make him even more determine and based on the belief that he has on his path, he has made himself and his family ready for any disaster.

While expressing support for Mir Hossein Mousavi, Karoubi stated his five-step solution for the current crisis:

**1-** Oppressors, those who committed crimes in the aftermath of the election and made people's lives difficult, should confess to their crimes and ask for forgiveness.

**2-** The diversion from revolution path should be reformed. The revolution has been diverted and this diversion can only be reformed by acknowledging the freedoms and rights stated in the constitution.

**3-** Avoiding violence. The main belief of the Green movement is in reform, civil and peaceful fight for taking back the derailed train of the revolution to its right path. Therefore avoiding violence has been and will be a main principle in the fight for reform and people's rights.

**4-** Investigation and finding the cause of the recent events. The security and judiciary forces instead of holding show trials, taking forced confessions and making wide spread arrests should try to find out the reasons behind the current events. Isn't it that if there had been some violence from some protestors [on Bloody Ashura] it is the consequence of all the repression and violence that they

have been suffering so far?

**5-** Mehdi Karoubi announces his readiness to hold a debate with any

representative of the government so that it would be clear who diverted the revolution from its path and who are responsible for all the oppressions people have been suffering and the true judges are the people.

بسمه تعالی

ملت آزاده و عزادار ایران؛

آنچه در عاشورای حسینی بر این ملک و دیار رفت، مایه نگرانی و آزرده‌گی هر انسان آزاده و مسلمانی بود؛ آنچه از خشونت عریان به چشم دیدیم و آن کشتار بیرحمانه چیزی نبود که بتوان از کنار آن به راحتی گذشت. خشونت برخی نیروهای حافظ امنیت و ارزان شدن جان آدمیزاد بدانجا رسیده است که در ظهر عاشورا در جمهوری اسلامی ایران با خودرو انتظامی، مردم زیر گرفته می‌شوند و از بلندی پرتاب می‌گردند و سینه آنها را هدف گلوله قرار می‌دهند؛ لابد به آن دلیل که از رای خود پرسیده و صدایی برای حق خواهی بوده اند. و با این حال زبان‌ها را بسته می‌خواهند تا صدای دلخراش این جنایت به گوش‌ها نرسد. گویی که خدا ناظر بر این رفتارها نبوده است و آنچه بر عزاداران حسینی رفته را ندیده است. و گیریم که همگان را با ارباب و تهدید به سکوت وادارند اما با فیلمها و تصاویری که جان دادن شیعیان حسینی در روز عاشورا را به تصویر می‌کشند و تصویری که به نام جمهوری اسلامی برای آیندگان به یادگار خواهد ماند چه می‌توان کرد؟ به راستی که بر این ماتم باید گریست.

حوادث بازداشتگاهها و ماجرای کهریزک و خشونت به زنان و دستگیری‌های فله‌ای و دادگاههای فرمایشی و ارباب تئوریزه شده کم بود که دست آقایان به خون مردم در روز عاشورای حسینی نیز آغشته شد. طنز ماجرا اما آنجاست که طلبکار هم می‌شوند. دست پیش می‌گیرند مبادا که پس بیافتند. شب عاشورا به حسینیه جماران یورش می‌برند و با این حال از شکسته شدن حرمت امام و عاشورا نیز سخن می‌گویند. با چاقو و قمه به جان مردم در تهران و مشهد می‌افتند و بعد حکم محاربه برای دیگران صادر می‌کنند. موجب بگیران را به جان مردم می‌اندازند و مردم را فریب خورده و مزدور اجنبی می‌خوانند. منتقدان خود را منافق می‌نامند و کسی را روانه زندان می‌کنند که پدرش شهید مظلوم آیت اله بهشتی، قربانی منافقین بوده است. او را بازداشت می‌کنند آن هم در دانشگاه و در سر کلاس درس. البته آقایان حرمتی نیز برای دانشجو و دانشگاه باقی نگذاشته اند و دانشگاه را پادگان کرده اند. دیدیم که چگونه در شانزدهم آذر ماه به دانشگاه قشون کشی کردند و دانشجویان را روانه زندان ساختند.

مردم ایران چه شیعه و چه سنی همواره احترامی خاص برای اهل بیت و مراسم مذهبی در ایران قائل بوده و هستند. آنچنانکه مسیحیان نیز در عاشورای حسینی نذر و نیاز خود را ادا می کنند و بی حرمتی به عاشورا در مملکت ما امری بی سابقه بوده است. البته شکستن حرمت عاشورا اگر از کسی سرزده باشد نیز محکوم است و پرواضح است که ارتکاب چنین اتهامی باید در دادگاه صالح رسیدگی و مطابق قوانین کشور مرتکبین مجازات گردند اما آقایان به عینه حرمت عاشورا را شکسته اند و با این حال مردمی چنین نجیب را به شکستن حرمت عاشورا متهم می کنند؛ انگار ندیده اند که شهیدان ما در عاشورای امسال لباس سیاه بر تن داشتند. گناهی را با گناه دیگر می شویند و یک دروغ را با دروغ دیگر تکمیل می کنند. گویا برای هدفی مقدس می توان دروغ را بر دروغ انباشت. آقایان از اندیشه ماکیاولی تنها همان جمله را خوب آموخته اند که هدف وسیله را توجیه می کند. دروغ می گویند اما تا به کی؟

همه اینها را انجام می دهند و جالب است که آنقدر احساس ترس و تنهایی می کنند که علما و چهره ها را در تنگنا قرار می دهند تا بیابند و با مظالم شان همراه شوند. امامان جمعه را بسیج می کنند تا در حرکتی هماهنگ به میدان بیابند و منتقد معترض را محارب بخوانند و راه را برای یک سناریوی از پیش طراحی شده دیگر بکشایند. معنای همه چیز وارونه شده بود که محارب نیز بر آن افزوده شد. نمی دانستیم که طلب کردن رای خود و اعتراض به دزدی سیاسی نیز از نگاه آقایان مساوی با محاربه و مصداق مفسد فی الارض است. تقسیم مردم به شهروند درجه یک و دو و خس و خاشاک کم بود که مردم را بزغال و گوساله نیز نامیدند. مرحبا به این جسارت و بی پروایی!

خدایا تو شاهد باش که برای چهار روز حکومت چه آبرویی از اسلام و انقلاب بردند و چه ارزان موجبات تنفر مردم از روحانیت را فراهم کردند. خدایا تو شاهد باش که چگونه یک جدال سیاسی را به یک جنگ مذهبی تبدیل کردند تا بتوانند به نام دین، حق خواهی سیاسی مردم را سرکوب کنند. کار ما بدانجا رسیده است که یک گروه سیاسی به نام جامعه مدرسین اطلاعیه می دهد و یک مرجع عالیقدر، آیت الله العظمی یوسف صانعی را از مرجعیت سلب می کند. جامعه مدرسین فعلی گویا تصور می کند از همان جایگاهی رفیعی برخوردار است که جامعه مدرسین پیش از انقلاب و در ابتدای انقلاب برخوردار بود. برخی از اعضای تازه به دوران رسیده جامعه مدرسین در غیاب اساتید گرانقدر بر این خیال خام اند که یک مرجع را با یک اطلاعیه می توان از مرجعیت به در کرد. در حکومت اسلامی به مسجد و منزل و مدرسه عالم مجاهد آیت الله علی محمد دستغیب به خاطر اظهار نظری حمله ور میشوند و مردم را با توسل به زور از مسجد بیرون و خانه خدا را پلمپ می کنند. به نام مذهب، حکومت می کنند و با این حال چنین آبرو از مذهب می برند.

در این آشفته بازار اگر چهره ای همچون جناب آقای میرحسین موسوی نیز نجیبانه پیشنهادهایی را برای عبور از بحران پیشنهاد می کند پاسخ او هتاک و توهین هایی است که از هر سو سرازیر می شود. گویی برخی از دست اندرکاران امور نه تنها تمایلی به آرامش ندارند که نان خود را در تنور بحران و آشوب و سرکوب می بینند و راه توفیق خود در قدرت را صرفاً با وجود چنین شرایطی گشوده می یابند و بحران را با بحرانی دیگر پیوند می زنند. حال آنکه خروج از بحران در گرو اجرای کلیه اصول قانون اساسی است؛ امری که شرط اساسی آن استقلال قوه قضائیه و اجتناب از سیاست در امر قضاوت است؛ همچنان که امام بزرگوار نیز فرمودند "قوه قضائیه قوه ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد" و "قضات نیز نباید گوش به هیچ کس بدهند". ما کجا و توصیه حضرت امام کجا!

آری، عده ای بر این گمان اند که با بستن تمام روزنه های اصلاح و دربند کردن تمام اصلاح طلبان، چراغ اصلاح طلبی خاموش خواهد شد و پرچم مبارزه با دروغ و فریب بر زمین خواهد افتاد. من اما شهادت می دهم که اربابها و تهدیدهای روزافزون، نه تنها مرا در پیمودن مسیری که در پیش گرفته ام سست تر نکرده که راسخ تر کرده است و به واسطه ایمانی که به راه خویش دارم خود و فرزندانم را آماده هر گونه مصیبتی نیز ساخته ام. به نظر اینجانب خروج از بحران دامنگیر فعلی توجه به موارد ذیل خواهد بود:

1. اعتراف و توبه ظالمان و بخشش مردم: آنانی که مسبب مظالم عاشورای حسینی و حوادث پس از انتخابات بوده اند باید توبه کنند نه آنهایی که برای احقاق رای خود شهید داده اند. آنهایی باید توبه کنند که چوب حراج بر ثروت ملی کشور زده اند و از کیسه مردم حاتم بخشی کرده اند و مردم را در فقر و تنگدستی رها کرده اند. آنهایی باید توبه کنند که افراد بی صلاحیت را تایید صلاحیت کردند و افراد واجد صلاحیت را رد و مردم را از حق انتخاب کردن محروم ساختند و برای تغییر رای مردم جواز صادر کردند و اعتراض مردم را با گلوله سرکوب نمودند. آنهایی باید توبه کنند که دانشجویان را از تحصیل محروم کردند و بی دانشان را بر صدر نشانند. توبه ظالمان اولین راه بازگشت آرامش به کشور و تسکین دل های داغدیده است. مردم ایران اهل زیاده خواهی نیستند. توبه کنندگان را که به گناه خود اعتراف کنند خواهند بخشید اگرچه ظلم آنها را فراموش نخواهند کرد. نه کسی به دنبال انتقام است و نه انتقام گیری درمانی بر ظلمهای رفته بر مردم خواهد بود.

2. انحرافی که از انقلاب ایران صورت گرفته باید اصلاح شود. انقلاب را بی شک صاحبان قدرت منحرف کرده اند و نمی توان بار این انحراف را بر دوش مردم گذاشت. اصلاح این انحراف نیز تنها در گرو اجرای قانون اساسی و کنوانسیون های بین المللی است که ما آنها را امضا کرده و به اجرای آنها متعهدیم. آزادی

مطبوعات و به رسمیت شناختن فضای نقد و نقادی، آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت حرکت در مسیر اصلاحی است. نمی توان افراد را به صورت فله ای بازداشت و محاکمه کرد و بدون وکیل و هیات منصفه و به صورت غیر علنی و در فضایی امنیتی و بدون رعایت اصول آیین دادرسی هر اتهامی را بر آنها بار کرد و با این حال دم از انقلاب و جمهوریت و اسلامیت نیز زد. انقلاب ما به انحراف رفته است و این انحراف تنها با به رسمیت شناختن آزادیهای مصرح در قانون اساسی اصلاح خواهد شد.

3. پرهیز از خشونت: احیای آزادی ها و مبارزه با استبداد را تنها با ابزار اصلاحات می توان پیش برد. ما معتقد به اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی متکی بر آرای 98 درصدی هستیم نه جمهوری اسلامی ای که ارزشی برای رای مردم قائل نیست. بر این اساس ما معتقد به اصلاحات و مبارزه غیر خشونت آمیز برای بازگرداندن قطار انقلاب به ریلی هستیم که از آن خارج شده است. برای پیش برد مبارزه ای مسالمت آمیز نباید به دامان خشونت افتاد. اگرچه من اطمینان دارم که برخی از دست اندرکاران امور از افزایش خشونت استقبال می کنند چه آنکه آنها تنها در فضایی آکنده از خشونت است که می توانند راه را برای سرکوب بگشایند. از اینرو پرهیز از خشونت اصلی اساسی در حق خواهی اصلاح طلبانه ما بوده است و خواهد بود.

4. ریشه یابی و علت یابی حوادث اخیر: دستگاههای امنیتی بهتر است که به جای پروژہ های نخ نما شده و اعتراف گیری های بی حاصل به دنبال ریشه یابی اتفاقات باشند. به فرض که مردم معترض رفتاری تندتر از انتظار نیز در روز عاشورا از خود نشان داده باشند باید به سراغ علت ها رفت نه نتیجه. کلام خداست که " فریاد توام با تندی را دوست ندارد مگر آنکه فریاد مظلوم باشد". اگر خشونت از سوی برخی از مردم سرزده است باید دید که چه برخوردی با آن جمعیت میلیونی در بیست و پنجم خرداد که تنها شعارشان سکوت بود صورت گرفت که آنها چنین تغییر مشی داده اند؟ آیا اگر خشونت از سوی برخی معترضین صورت گرفته باشد نتیجه خشونت برهنه و ظلمی نیست که بر آنها روا شده است؟ دستگاههای امنیتی به جای آنکه در توجیه حوادث و سناریوی ذهنی خود بر دایره بازداشت ها بیافزایند بهتر آن است که ریشه این مظالم و خشونت ها را شناسایی کنند؛ که از دیدگاه اینجانب ریشه این اتفاقات و مظالم و عصبانیت مردم نیز به انتخابات ریاست جمهوری 84 بر می گردد؛ انتخاباتی که نقطه آغازی در نادیده گرفتن رای و حق مردم بود.

5. من مهدی کربوبی آمادگی خود را برای مناظره با هر نماینده ای از سوی حکومت اعلام می کنم تا مشخص شود که این انقلاب را چه کسانی به انحراف بردند و مسئول مظالم رفته بر مردم چه افراد و گروه هایی هستند. ما را منافق و فتنه جوی و وابسته به دولتهای غاصب و سلطه جو خوانده اند. شیوه ما البته این نیست که مخالف

خود را منافق و ضدانقلاب و برگشته از اسلام بخوانیم. اما تنها یک مناظره واقعی که مردم نظاره گر مستقیم آن باشند روشن خواهد ساخت چه کسی با حق است و چه کسی بر حق؛ چه کسانی از منافع ملی، عزت و سربلندی مردم بزرگ ایران و آرمان های امام فاصله گرفته و چه کسانی هنوز بر آن آرمان ها پایبند هستند. در این میان داوران اصلی مردم خواهند بود و چه داوری بهتر از مردم.

مهدی کروی